

متن پرسش

سلام علیکم: در مصاحبه حضرت عالی با آقای یاسر عرب با موضوع وطن فکری، سه مطلب فرمودید که اگر اصل این مطالب را در اختیار حقیر بگذارید، متشکر می شوم: ۱. از فرمایشات امام صادق علیه السلام به منصور دوانقی (بنی العباس): خدا می داند ما قصد بر اندازی شما را نداریم. ۲. از بیانات آقا با این مضمون: اگر مردم ولی فقیه را نخواهند، ولایت و حکم او مشروعیت ندارد. ۳. از بیانات آقا با این مضمون: جمهوریت یعنی اسلام و اسلام یعنی جمهوریت

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- باید سر فرصت مطلب را جستجو کنم. آنچه به عنوان نمونه می توان فعلا ارائه داد سخن حضرت امام کاظم علیه السلام در مقابل هارون است که مدعی است حضرت خراج می گیرند تا حکومت تشکیل دهند، حضرت فرمودند: « يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْبُؤَةِ مَا حَمَلَ إِلَيَّ أَحَدٌ دِرْهَمًا وَلَا دِينَارًا مِنْ طَرِيقِ الْخَرَجِ » [۱] یعنی ای امیرالمومنین به خدایی که محمد را به پیامبری مبعوث نمود قسم می خورم که هیچ درهم و دیناری به عنوان خراج به من نداده است...» ۲- این مطلب را چندسال پیش در یکی از سخنرانی هاشان فرموده اند نمی دانم چطور آدرس بدهم. بد نیست که به این خبر سایت «خبر آنلاین» رجوع فرمایید با عنوان « خطبه صریح رهبرمعظم انقلاب در باره مشروعیت یافتن حکومت اسلامی با رای مردم » به آدرس <http://www.khabaronline.ir/detail/۶۷۷۹۶۲/Politics/leader>

می فرمایند: رهبرمعظم انقلاب در یکی از خطبه های نمازجمعه تهران، بحث مهمی در باره نقش رای مردم بیان کردند.

این بخش از اظهارات حضرت آیت الله خامنه ای را می خوانید: در اسلام به نظر مردم اعتبار داده شده؛ رأی مردم در انتخاب حاکم و در کاری که حاکم انجام میدهد، مورد قبول و پذیرش قرار گرفته. لذا شما می بینید که امیرالمؤمنین (علیه الصلاة و السلام) با اینکه خود را از لحاظ واقع منسوب پیغمبر و صاحب حق واقعی برای زمامداری میداند، آنوقتی که کار به رأی مردم و انتخاب مردم میکشد، روی نظر مردم و رأی مردم تکیه میکند. یعنی آن را معتبر میشمارد و بیعت در نظام اسلامی یک شرط برای حقانیت زمامداری زمامدار است.

اگر یک زمامداری بود که مردم با او بیعت نکردند، یعنی آن را قبول نکردند، آن زمامدار خانه‌نشین خواهد شد و مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است یا بگوئیم فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است. آنوقتی که بعد از قتل عثمان مردم آمدند اطراف خانه‌ی امیرالمؤمنین را گرفتند، امیرالمؤمنین خطاب به مردم نفرمود که شما چه کاره‌اید؟ رأی شما چه تأثیری دارد؟ فرمود: «دعونی و التمسوا غیری»؛ وقتی میخواست استنکاف کند از قبول خلافت و زمامداری، به مردم گفت من را رها کنید، به سراغ دیگری بروید. یعنی اراده‌ی شما، خواست شما، انتخاب شماست که تعیین کننده است؛ پس از من منصرف بشوید، به سراغ دیگری بروید.

در مکاتباتی که امیرالمؤمنین با معاویه در پیش از جنگ صفین داشتند و استدلال میکردند؛ هر کدام یک دلیلی، استدلالی در نامه‌ی خود می‌آوردند - هم معاویه به یک چیزهائی استدلال میکرد تا روش سیاسی خودش را توجیه کند، هم امیرالمؤمنین استدلالهائی میکردند - آنجا یکی از جملاتی که امیرالمؤمنین به کار برده و احتمال میدهم بیش از یک بار هم امیرالمؤمنین این را به کار برده این است که: «انّه بایعنی القوم الذین بايعوا ابا بکر و عمر»؛ یعنی تو چرا در مقابل من می‌ایستی و تسلیم نمیشوی، در حالی که همان مردمی که با ابوبکر و عمر بیعت کرده بودند و تو به خاطر بیعت آن مردم خلافت آنها را قبول داری، همان مردم با من هم بیعت کردند.

یعنی مشروعیت دادن به رأی مردم و بیعت مردم؛ این یک اصل اسلامی است. لذا بیعت یکی از چیزهای اصلی بود. اگر کسی به عنوان خلیفه انتخاب میشد، مردم اگر بیعت نمیکردند، هیچ الزامی نبود که دیگران او را خلیفه بدانند. حتی آن زمانهائی که خلافت جنبه‌ی صوری هم به خودش گرفته بود، یعنی در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس، آن روز هم باز بیعت گرفتن از مردم را لازم میدانستند. حالا وقتی که یک حکومت قلدربابانه و جبارانه بر مردم بخواهد حکومت کند، بیعت گرفتن را هم اجباری میکند یا در بیعت هم تقلب میکند. مثل اینکه در انتخابات، انتخابات صوری و تشریفاتی، فرمایشی در دوران رژیم گذشته تقلب میکردند. اصل بیعت، یک اصل پذیرفته شده است. البته وقتی همه‌ی مردم، اکثریت مردم با کسی بیعت کردند و در حقیقت او را به زمامداری پذیرفتند، دیگران باید تسلیم او بشوند. شاید بیعت در این صورت هم اجباری نباشد. خطبه نماز جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۶۶

۳- مکرراً این موضوع را فرموده‌اند. متأسفانه رفقا متوجه‌ی اهمیت آن نیستند. بنده هم بنا نداشته‌ام همه‌ی آن سخنان را جمع‌آوری کنم. به عنوان نمونه چند مورد را به عرض می‌رسانم:

۱- جمهوریت ما، از اسلام گرفته شده نه از جای دیگر، ضمن آنکه اسلام به ما اجازه نمی‌دهد مردم سالاری نداشته باشیم. ۱۳۸۲/۱۱/۲۴

۲- اسلامیت و جمهوریت دو عنصر جدا نیستند که به یکدیگر وصل شده باشند و یک حقیقت را به

وجود آورده باشند؛ در دل اسلامیت، جمهوریت هست. در دل اتکاء به حکم الهی، تکیه ی به مردم و احترام به خواست و رأی مردم هست. جمهوری اسلامی یک حقیقت واحد است که هدیه ی انقلاب اسلامی به ملت ایران است. این، آن چیزی است که در این سی سال، امتحان کارآمدی خود را به بهترین وجهی داده است. ۱۳۸۸/۰۵/۱۲

۳- بستر مردم‌سالاری اسلامی و حضور مردم را انقلاب به ما داد. ما باید روی این زمینه تکیه کنیم. البته از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوریت نظام و اسلامیت، رقابتی به وجود بیاورند. یکجا بعضیها بگویند روی اسلامیت تکیه شد، جمهوریت تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوریت تکیه شد، اسلامیت تضعیف شد. این‌طوری نیست. در کشور ما جمهوریت از اسلامیت جدا نیست. ۱۳۸۴/۰۵/۱۰. موفق باشید